



واحد می‌داند که صور و هیأت بر آن توارد دارد، و منکر مذهب صور مرتسمه است. مرحوم صدر المتألهین - قدس سره - این سه نظریه ایشان را در اسفار آورده و نقد کرده است.<sup>۱</sup>

### مذهب مؤلف

قاضی نور الله شوشتری - قدس سره - در مجلس هفتم از مجالس المؤمنین وی را از فرزندان شیعی به شمار آورده است، و در این باره می‌نویسد:

نهال فطرت سلیمه وی به آفتاب مهر و شبنم محبت خاندان نبوت پرورده، و گلشن عقیده صحیحه اش از کوثر ارادت و سلسبیل اخلاص دودمان ولایت آب خورده.

صاحب مجالس المؤمنین، با نقل دو واقعه در پی اثبات شیعه بودن وی بر می‌آید: نخست می‌نویسد که:

در روزگار شاه اسماعیل صفوی شهربانان و سران هر شهری مردم را آئین شیعی می‌آموختند، و ناگزیر می‌ساختند که از خلفای سه‌گانه بیزاری جویند، و بر آنها نفرین فرستند. روزی داماد خفری هراسان نزد وی رفت و گفت که سرگذشت چنین است، چه باید کرد؟ خفری بدو گفت: برو و بر آنها نفرین کن که دو سه عرب عامی جلف بوده‌اند. باز می‌گوید:

هنگامی که شاه اسماعیل، شروان و آذربایجان را گرفته بود، دانشمندان سنی عراق از ترس می‌گریختند، از شهری به شهری می‌رفتند، چنانکه در کاشان کسی نماند که داوری کند و فتوی دهد، ناگزیر مردم نزد خفری رفته، پرسشها می‌کردند و او از روی هوش و خرد خویش - با اینکه فقه نخوانده بود - به پرسشهای آنان پاسخ می‌داد. شیخ علی بن عبدالعالی (محقق کرکی) در آن هنگام به کاشان رفت و خفری را بدید و به نوشته‌های او نگریست، دید که همه سخنان او با گفته‌های دانشمندان شیعی سازگار می‌باشد. و فرمود: این موافقت و مطابقت، دلیل صحت قاعده حسن و قبح عقلی است که طایفه امامیه و معتزله برآنند. گرچه قاضی نور الله شوشتری - قدس سره - با نقل دو واقعه یاد شده در پی اثبات شیعه بودن خفری است، ولی به یقین نمی‌شود از این دو واقعه، حکم به شیعه بودن وی کرد. شاید خفری در ابتدا سنی بوده و بعد شیعه شده است، یا اینکه از روی تقیه اظهار به تشیع کرده است که با توجه به جریان اول این احتمال قوی به نظر می‌رسد. واللّه العالم.

۱. الأسفار الأربعة، ج ۵، ص ۷۶-۳۴؛ ج ۶، ص ۲۲۱